

علمی پژوهشی

تأثیر آراء فردگرایی و جمع‌گرایی بر مالکیت در دیدگاه روشنفکران مشروطه

جعفر حنانی^۱، محمد علی توانا^{۲*}

چکیده

روشنفکران عصر مشروطه دریافتند که اصلاح نظام سیاسی قاجار بدون تحول در نهاد مالکیت ناممکن است و در آثار خود بر ضرورت این دگرگونی تأکید کردند؛ با این حال، دیدگاه‌های آنان در خصوص شیوه این تحول یکسان نبود و تحت تأثیر اندیشه‌های غربی، راه‌حل‌های متفاوتی را پیش نهادند. این پژوهش باهدف تبیین نسبت فردگرایی و جمع‌گرایی با مفهوم مالکیت در آرای چهار روشنفکر برجسته (ملکم‌خان، آخوندزاده، آقاخان کرمانی و طالبوف) و با بهره‌گیری از روش دلالت‌پژوهی انجام شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که آقاخان کرمانی و طالبوف با محوریت «خیر عمومی» و جمع‌گرایی، نقش تنظیم‌گری دولت را در مسأله مالکیت، ضروری می‌دانستند، درحالی‌که آخوندزاده و ملکم‌خان با گرایش به فردگرایی، مالکیت را بر مبنای حق «کار» فرد تعریف کرده و دخالت دولت را در این عرصه به حداقل می‌رساندند. در نتیجه، این پژوهش نشان خواهد داد که دوگانۀ «فردگرایی-جمع‌گرایی» چه تمایزات نظری و عوامل تعیین‌کننده‌ای که در شکل‌گیری دو مسیر متفاوت برای توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران عصر مشروطه بوده را به وجود آورده است. پاسخ به این پرسش، ریشه‌های تاریخی مناقشه دیرپای «دولت در مقام تنظیم‌گر» در مقابل «مالکیت به‌مثابه حق فردی» را در تاریخ معاصر ایران آشکار می‌سازد و چارچوبی تحلیلی برای فهم ریشه‌های فکری مباحث جاری درباره رابطه دولت و بازار فراهم می‌کند.

تاریخ دریافت:

۲۶ دی ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش:

۲۸ اسفند ۱۴۰۴

کلیدواژه‌ها:

مالکیت؛ مشروطه؛

فردگرایی؛ جمع‌گرایی؛

دولت.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از مهم‌ترین مفاهیم و مواردی که هم‌زمان با انقلاب مشروطه در ایران بر روی آن نزاع‌های فراوانی درگرفت، مفهوم "مالکیت" بود. در واقع اگر پذیرفته شود که یکی از مهم‌ترین دلایل و اهداف استقرار نظام مشروطه در ایران، اصلاح ساختاری نظام سیاسی در ایران بود، این مهم بدون توجه به عنصر مالکیت غیرممکن می‌نمود؛ چراکه این مفهوم که به معنی «حق بدون خدشه استفاده از ابزار تولید است که تا پیش از سده اخیر در ایران به زمین تعلق می‌گرفت و در اختیار دولت‌ها بود»،

^۱ دانشجوی دکترا علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

^۲ دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

دارای کارکرد اساسی برای دولت‌های استبدادی در ایران بود. بدین‌صورت که ساختارهای استبدادی حاکم با ایجاد نامنی در حقوق مالکیت از زمین به‌عنوان ابزاری برای توزیع رانت در راستای حفظ بقا خود استفاده می‌کردند؛ لذا انقلاب مشروطه بدون تحول در مالکیت نمی‌توانست ادعای دگرگونی ساختار سیاسی ایران را داشته باشد.

اما یکی از گروه‌های پیشرو در مشروطه که عمده هدف آن‌ها، اصلاح نظام استبدادی بود و پیش‌تر از همه نیز به تحول در مالکیت وقوف پیدا کرده بودند، روشنفکران و روشن‌اندیشان دوران مشروطه بودند. آنان که به‌خوبی از وضعیت نظام زمین‌داری در ایران و شکل مالکیت در ساختارهای استبدادی آگاه بودند و در آثار خود به‌کرات از این یاد کرده بودند که یکی از عوامل مهم عقب‌ماندگی و عدم توسعه در کشور به نظام زمین‌داری و وضعیت مالکیت در ایران برمی‌گردد؛ لذا در آثار خود به دنبال نوعی از دگردیدی در زمینه مفهوم و نهاد مالکیت بودند. اما نکته‌ای که در حدود مسأله مالکیت و نسبت آن با روشنفکران مشروطه برمی‌گردد، چگونگی نگاه آنان به مسأله مالکیت و تحول در نظام مالکیت است. در واقع از آنجایی که این روشنفکران غالباً تحت تأثیر اندیشه‌های متفکران غربی بودند و در غرب نیز نزاع اندیشه‌ای بر سر مسأله مالکیت غالباً به دو صورت خصوصی و خیر عمومی درگرفته است، پرسشی که این پژوهش به دنبال آن است منوط به این مسأله است که روشنفکران عهد مشروطه (آخوندزاده، ملک‌خان، آقاخان کرمانی و طالبوف) چه نگرشی نسبت به مفهوم مالکیت داشتند و در نسبت با اندیشه‌های فردگرایی و جمع‌گرایی در امر مالکیت، گرایش آنان به کدام‌یک از دو طیف نزدیک‌تر بوده است؟

پیشینه پژوهش

فرشاد مؤمنی و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با نام **ظهور مالکیت خصوصی و انقلاب مشروطه در ایران بر مبنای رهیافت نظم‌های اجتماعی نهادگرایی مدعی هستند که در عصر ناصری وقوع دو حادثه و دو شوک بزرگ به اقتصاد ایران سبب رشد و گسترش مالکیت خصوصی بزرگ مالکی در ایران شد.** از منظر آنان این دو شوک عبارت بوده است از: نخست اتصال ایران به بازارهای بین‌المللی و جهانی و دوم بروز خشک‌سالی که سبب کاهش درآمدهای مالیاتی دولت شده بود. از این‌رو آنان بر این نظرند که پیامد مهم این دو رویداد فروش املاک خالصه از سوی دولت بوده است. مؤمنی و دیگران در مقاله خود تنها به چگونگی دگرگونی نهاد مالکیت در دوران قاجار می‌پردازند و جز ذکر چند گزاره‌ای کوتاه از روشنفکران مدنظر این پژوهش، به بررسی ابعاد تئوریک آن‌ها نمی‌پردازند؛ در حالی که پژوهش حاضر درصدد آن است تا براساس دیدگاه فردگرایی و جمع‌گرایی، نخست معلوم دارد که روشنفکران یادشده در ذیل کدام یک از دسته‌بندی‌های بالا جای می‌گیرند

و سپس به بررسی آرای آنان در خصوص مالکیت پردازد. همچنین این پژوهش برخلاف مؤمنی، آغاز مالکیت خصوصی را نه در رخدادهای عینی، بلکه در فرآیندی ذهنی جست‌وجو می‌کند که با ورود اندیشه‌های جدید و نضج و پرورش ذهنی آن توسط روشنفکران عصر مشروطه سبب تحول در امر مالکیت گردیده است.

محمد رضا علم و سجاد کاظمی (۱۳۹۴)؛ در مقاله تأثیر انقلاب مشروطه بر تحول زمین‌داری به دنبال پاسخ و تشریح مسأله‌ای فربه در خصوص مالکیت در زمان انقلاب مشروطه هستند: پس از انقلاب مشروطه و در جریان آن و به خصوص در ارتباط با سازوکارهای مجلس اول، نظام زمین‌داری و نهاد مالکیت دستخوش چه دگرگونی‌ها و تحولاتی شده است؟ بر همین اساس یافته‌های آنان چنین بوده که اقدامات صورت گرفته، نشان‌دهنده آن است که سازوکارهای مجلس اول در ارتباط با مسأله زمین‌داری و مالکیت نه تنها بسیار محافظه کارانه و غیرانقلابی بوده، بلکه از سوی دیگر به رشد نظام بزرگ مالکی نیز کمک شایانی کرده است. اگرچه این مقاله نیز توجه خود را در بازه زمانی انقلاب مشروطه داشته است و به بررسی تحول نظام زمین‌داری پرداخته است، با وجود این، به روشنفکران مدنظر این پژوهش و آراء آن‌ها و بازتاب آنان بر ساختار سیاسی مشروطه نمی‌پردازند.

بر اساس نظر موسی غنی‌نژاد (۱۳۹۷) در بخش دوم کتاب «تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر»، ورود ایران به دوران جدید از طریق نهضت مشروطه و تحولات بعدی آن، نه تنها همراه با تحکیم و گسترش مالکیت خصوصی در صنعت نبوده، بلکه تاریخ معاصر ایران نیز فقدان این همگامی را اثبات می‌کند. ایشان بر این باورند که ناآرامی‌های سال‌های پس از مشروطه، مانع از تحقق اهداف و آرمان‌های واقعی این نهضت شد (غنی نژاد، ۱۳۹۷: ۱۳۸). اگرچه غنی نژاد در این کتاب به ورود اندیشه‌های جدید غربی در حوزه مالکیت نیز اشاراتی دارد، اما این اشارات بسیار مختصر بوده و غور در متفکران عصر مشروطه و کاربست تفویض اندیشه‌های آنان نکرده است؛ همچنین وی در پژوهش خود فربه گشتن دولت را مهم‌ترین متغیری دانسته که سبب عدم شکل‌گیری مالکیت خصوصی شده است. اما این پژوهش در کنار اینکه به صورت اختصاصی بر متفکران نام برده در مشروطه تمرکز کرده، دست به نتیجه‌گیری در باب تفوق مالکیت فردی یا جمعی (عمومی) نزده است. در واقع این پژوهش بیش از اینکه متغیرهای تأثیرگذار بر امر مالکیت در امور عینی جست‌وجو کند، آن را در قلمرو ذهنی و جدال‌های اندیشه‌ای جست‌وجو کرده است.

در کتاب «نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران»، همایون کاتوزیان (۱۳۷۷) در مقاله‌ای که به تحلیل تطبیقی دولت و جامعه در ایران می‌پردازد، بیان می‌کند که طی قرن‌های متمادی پس از فروپاشی ایران باستان و تا پیش از مشروطه، نهادی به‌عنوان مالکیت رسمی و مستقل با قوانین مشخص (مکتوب یا غیرمکتوب) وجود نداشت. وی معتقد است که رژیم حکومتی مبتنی بر انحصار حقوق مالکیت در اختیار دولت و قدرت دیوانی و نظامی متراکم حاصل از آن بود. در این نظام، حقوق مالکیت ارضی معنایی نداشت و آنچه وجود داشت، امتیازاتی موقتی بود که دولت به دلخواه به اشخاص می‌داد و بازمی‌ستاند؛ بنابراین، امنیت قراردادی برای مالکیت افراد تعریف نشده بود و حقوق مالکیت ارثی و خودبه‌خودی جایی در آن نداشت (زمان زاده و صادق‌الحسینی، ۱۳۹۲: ۹۷). اگرچه کاتوزیان در اثر خود پرده از متغیری مکنون چون عدم نهادینه‌شدن تاریخی مالکیت می‌پردازد، اما تلاش او تا پیش از انقلاب مشروطه به پایان می‌رسد و اگرچه که دوره قاجار را نیز در دایره بررسی تاریخی خود جای می‌دهد، اما گام را فراتر نمی‌نهد و به تحولات نهاد مالکیت پس از مشروطه و به‌خصوص روشنفکران آن اشاره‌ای ندارد؛ درحالی‌که این پژوهش از جایی آغاز می‌شود که کاتوزیان در آن سطح نقطه تاریخی خود را به پایان رسانده بود.

مبانی نظری

از آنجایی که این پژوهش در پی آن است تا به بررسی بازتاب اندیشه‌های جمع‌گرایی و فردگرایی بر آراء روشنفکران دوران مشروطه در خصوص مالکیت بپردازد. لذا با توجه به بازه زمانی که روشنفکران عصر مشروطه در آن زیست می‌کردند و از آنان نیز تأثیر پذیرفتند، در خصوص فردگرایی به آراء نظری لاک توجه می‌شود؛ چراکه "لاک با ارائه نظریه مالکیت مبتنی بر کار" مالکیت خصوصی را نه تنها یک حق قانونی، بلکه حق طبیعی و پیشادولتی انسان می‌داند که براساس آن همه انسان‌ها دارای حق طبیعی یکسانی برای مالکیت خود و آزادی هستند (تدین و دیگران، ۱۴۰۲: ۸) که این خود هسته سخت فردگرایی اقتصادی است، بلکه هر اندیشمند یا جریانی که بر حق فردی و غیرقابل نقض مالکیت تأکید کند، به نوعی وامدار این ایده جان لاک است و در خصوص جمع‌گرایی نیز به آراء نظری روسو پرداخته خواهد شد؛ چراکه روسو با مفهوم "اراده عمومی" حق حاکمیت را از آن جامعه به‌عنوان یک کل می‌داند (همان؛ ۳۰). از این منظر، منافع فردی باید تابع خیر و مصلحت عمومی باشد. این دیدگاه، توجیه فلسفی برای دخالت نهادهای جمعی (مانند دولت) در تنظیم مالکیت و محدود کردن حقوق فردی در جهت منافع جامعه فراهم می‌کند.

مالکیت از دیدگاه لاک

از آنجایی که در نظر جان لاک مالکیت نیز مانند هر نهاد حقوقی دیگری نیازمند توجیه است؛ لذا وی نیز مانند دیگرانی که در این امر کوشیده‌اند، سعی بر تئوریزه کردن این حوزه دارد و حتی می‌توان گفت که در این امر، یکی از موفق‌ترین پیشگامانی است که در این راه قدم گذاشته است؛ اما نخستین نکته مهمی که در ارتباط با مسأله مالکیت از جانب لاک مطرح می‌گردد، مبنای نظری مفهوم کار است که اگرچه پیش از لاک نیز این مبنای نظری در مباحث الهیاتی مسیحیت وجود داشته و بر روی آن نیز وقفه‌ها رفته بود، اما می‌توان گفت که با ورود لاک به این حوزه، وی توانست یکی از برجسته‌ترین تئوری‌های مالکیت را بر مبنای نظری مفهوم کار که رابطه وثیقی نیز با فردیت دارد، بنیان‌گذاری کند.

اما باید به این نکته نیز توجه کرد که لاک بین دو مرحله تاریخی جهت توجیه مالکیت فرق می‌گذارد: ۱- «مرحله قبل از ایجاد پول و قرارداد اجتماعی». ۲- مرحله بعد از ایجاد پول و قرارداد اجتماعی» (پیلوار، ۱۳۹۰: ۳)؛ در مرحله نخست، مالکیت بر مبنای کار فرد توجیه می‌شود. در این چارچوب، هر شخص در وضع طبیعی، ابتدا مالک خویش است و از طریق آمیختن کار خود با منابع طبیعی، آن‌ها را به ملکیت شخصی درمی‌آورد. لاک این حق اولیه را با دو استدلال پشتیبانی می‌کند: یکی عقل طبیعی که زمین را برای بهره‌برداری انسان مقرر کرده و دیگری تأیید الهی با استناد به متونی مانند "خدایوند زمین را به بشر داده است". همچنین لاک در فرازی از رساله‌ای در باب حکومت می‌نویسد: «می‌توان گفت که ثمره تلاش و کار بدن و دستان انسان به معنای واقعی کلمه، متعلق به خود اوست. از این رو هر چیزی را که او از وضعیت آماده طبیعت خارج کند، با کار خود درآمیزد و چیزی را که متعلق به خود اوست با آن پیوند زند، مالک آن چیز خواهد شد. از آنجاکه آن چیز توسط او از طبیعت مشترک جدا شده است و او با کار و تلاش خود چیزی به آن افزوده است، انسان‌های دیگر حق مشترکی نسبت به آن ندارند» (لاک، ۱۴۰۲: ۱۰۸).

در منظومه فکری جان لاک، مالکیت نه از طریق وضع قوانین مدنی، بلکه در گام نخست و در وضع طبیعی، از طریق کنش «خروج شیء از وضع اشتراکی» توسط فرد پدید می‌آید. این خروج و تخصیص، البته مطلق نیست؛ بلکه مشروط به قیدی طبیعی است که میزان و حدود آن را تعیین می‌کند: «کار انسان»؛ لاک معتقد است طبیعت با این اصل، حد مالکیت را مقرر کرده است؛ بدین ترتیب که هر فرد تنها تا میزانی می‌تواند چیزی را از مشترکات خارج و به تملک خود درآورد که

بتواند با صرف نیروی کار خویش بر روی آن، آن را به خدمت گیرد و برای «آسایش» خود مورد استفاده قرار دهد. این مینا، سرچشمه دو اصل بنیادین در نظریه مالکیت لاک می‌شود. نخست، اصل «خود مالکیتی» که براساس آن هر کس مالک ذاتی شخص و نیروی کار خویش است. دوم، اصل تملک از طریق کار که برآمده از اصل نخست است: فرد با به‌کارگیری «صناعت» و تدبیر خود (که ناشی از مالکیت بر خویش است)، می‌تواند بخشی از اموال مشترک را با کار خود درآمیزد و آن را به «ملک شخصی» متمایز و اختصاصی خود تبدیل کند (پیلوار، ۱۳۹۰: ۵-۴). بنابراین در این فرآیند، کار انسان است که ارزش می‌آفریند و مالکیت را ایجاد می‌کند. به همین سبب او در نظریه‌اش در باب ارزش، نسبت بیشتری را به انسان و کار انسان نسبت به زمین می‌دهد؛ چراکه در نظر او انسان، منشأ و مولد مالکیت است.

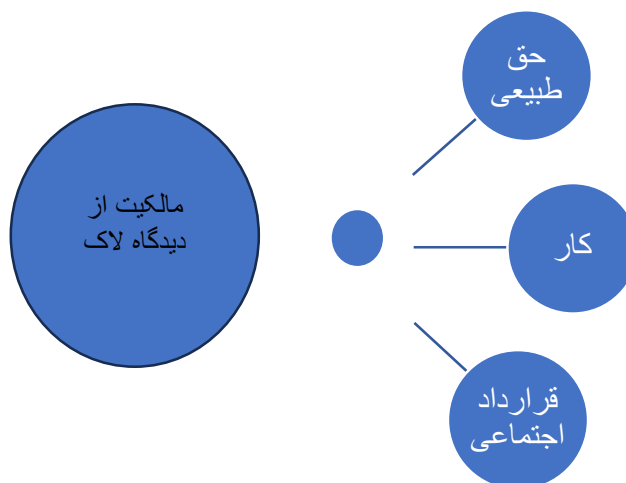
مالکیت از دیدگاه روسو

مالکیت خصوصی از دیدگاه روسو چنانکه در نزد عموم فلاسفه‌های هم‌عصر او از جمله لاک بوده است، یکی از مهم‌ترین حقوق اساسی است که او به افراد واگذار می‌کند و آن را در مرکز مسأله مشارکت مدنی قرار می‌دهد و می‌نویسد: مسلم است که حق مالکیت مقدس‌ترین حق شهروندان است و در برخی جوانب حتی از آزادی هم مهم‌تر است. به‌خصوص از آن‌رو که مالکیت بنیان واقعی جامعه مدنی و ضامن واقعی تعهدات شهروندان است (دریابندری، ۱۳۶۸: ۱۰۰). اما در نگرش جمع‌اندیشانه روسو نسبت به مسأله مالکیت، او خواهان بیشترین میزان مالکیت برای بیشترین افراد است؛ چراکه در نظر او هرچقدر که افراد از دارایی بیشتری برخوردار باشند، عمل مشارکت نیز سودمندتر خواهد بود.

به بیانی دیگر انسان برای ورود به جامعه مدنی در صورتی از حق طبیعی بر همه چیزهایی که او را وسوسه می‌کند، صرف‌نظر می‌کند، که این امر برایش نافع باشد. باین‌حال، دولت است که مسؤلیت حفظ اموال اعضاء خود را به عهده می‌گیرد، بدون آنکه آن‌ها را وابسته به فرد دیگری کند. به‌واقع، دولت مالکیت طبیعی همواره قابل فسخ و غیر اتکا را آنگاه که صرفاً ناشی از قدرت انفرادی اشخاص است که از آن در محیطی طبیعی محافظت می‌کنند را تبدیل به مالکیت واقعی تضمین‌شده با قانون می‌کند. به‌این‌ترتیب منفعت مشارکت مدنی در تمایزی است بین «مالکیتی که محصول قدرت یا حق اولین متصرف است و مالکیتی که فقط بر پایه سند قطعی است» (روسو، ۱۴۰۳: ۳۶۵). در نظر روسو واگذاری اموال و آزادی اشخاص باید به‌محض عقد قرارداد اجتماعی کامل شود تا تساوی حقوقی بین تعهدکنندگان تضمین شود. اما درنهایت در مشارکت مدنی، اموالی را که تعهدکنندگان بازمی‌ستانند، کل بدنه اجتماعی را حفاظت می‌کند؛ به‌این‌ترتیب که «مالکان

به‌منزله امانت‌داران اموال عمومی به حساب می‌آیند و حقوق آن‌ها را تمامی اعضای دولت محترم می‌شمارند و با تمام قوا از آن‌ها در مقابل بیگانگان حفاظت می‌کنند [...] و به این ترتیب به قولی تمام آنچه را که داده‌اند به دست می‌آورند» (همان: ۳۶۷). در این صورت قرارداد مبتنی بر تساوی حقوقی تمامی شهروندان مالک است. اما روسو به این امر آگاه است که هراندازه افراد بیشتری از بیشترین مالکیت برخوردار باشند، عمل مشارکت نیز سودمندتر خواهد بود؛ چراکه دولت با تمام قوا از ثروت بیشترین افراد دفاع می‌کند. بنابراین فقط در شرایط یک‌دستی نسبی اقتصادی است که پیمان تعریف‌شده در قرارداد اجتماعی با ماهیت آرمانی خود منطبق می‌شود. اگر اجماع شرایط نباشد، برابری حقوقی تعهدکنندگان فریبی بیش نیست: «در حکومت‌های بد، این برابری ظاهری و واهی است و صرفاً برای این است که فقیر را در بدبختی‌اش و ثروتمند را در قدرت غصبی‌اش نگهدارد. قوانین در عمل همیشه برای دارا سودمند و برای ندار زیان‌بارند. در این صورت وضعیت اجتماعی فقط زمانی برای انسان‌ها سودمند است که همه انسان‌ها چیزی دارند، ولی هیچ‌کس زیادی ندارد» (همان: ۳۶۷). بنابراین از دیدگاه روسو لازم است تفاوت اقتصادی میان شهروندان در کم‌ترین حد باشد تا آزادی مدنی واقعی برقرار شود.

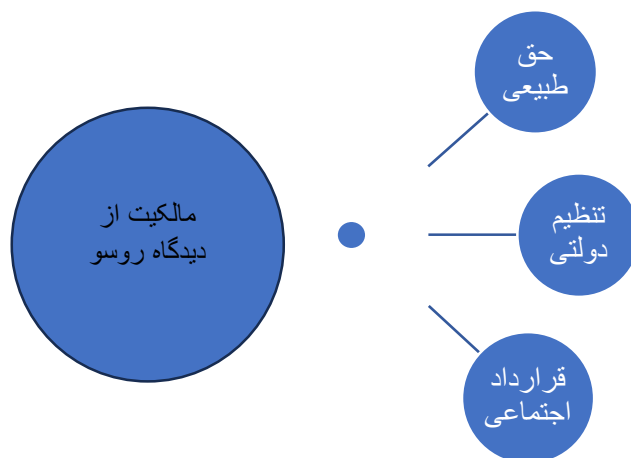
مقایسه عناصر مالکیت از دیدگاه فردگرایی (لاک و کانت) و جمع‌گرایی (روسو)



شکل ۱. عناصر مالکیت از نگاه جان لاک

تأثیر آراء فردگرایی و جمع‌گرایی بر مالکیت در دیدگاه روشنفکران مشروطه

جعفر حنائی، محمد علی توانا



شکل ۲. عناصر مالکیت از نگاه روسو

روش دلالت پژوهی

گاهی اوقات نویسندگان یا پژوهشگران از یک فلسفه، چارچوب، نظریه، مدل، ایده، رهنمودها، کاربردها، پیامدها، تأثیرات و تبعاتی را برای سایر رشته‌ها قرض می‌گیرند که در این موارد از روش‌شناسی دلالت‌پژوهی استفاده می‌شود. این استقراض می‌تواند از مآخذ هم‌عرض موضوع دلالت پژوهی باشد که به آن استقراض افقی می‌گویند. برای مثال علم سازمان از مفهوم نهضت‌های اجتماعی در جامعه‌شناسی یا از بینش‌های بازار محور در اقتصاد بهره می‌گیرد. علاوه بر این، عمل استقراض می‌تواند از مآخذ در طول موضوع دلالت‌پژوهی صورت بگیرد که آن را استقراض عمودی می‌نامند؛ برای مثال چندین نحله پژوهشی سازمانی بر مفاهیم روان‌شناختی استوارند؛ مانند نحله‌های پژوهشی در حوزه‌های یادگیری سازمانی، تصمیم‌گیری سازمانی و هویت‌سازمانی (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۴۴-۴۳).

تعیین مآخذ احصای دلالت‌ها برای پرداختن به مسأله پژوهشی

در روش‌شناسی دلالت‌پژوهی، مفاهیم کلیدی حول دو قطب منبع صادرکننده^۱ و منبع واردکننده^۲ سازمان می‌یابد. برای نمونه، در مطالعات سازمان، این حوزه علمی به‌عنوان واردکننده، با اقتباس و تطبیق چارچوب‌های جامعه‌شناختی،

¹ source

² recipient

ایده‌های خود را غنا می‌بخشد. به‌طور مشابه، حوزه خطمشی‌گذاری علم و فناوری نیز در مقام یک حوزه واردکننده، عمل می‌کند و از رئالیسم انتقادی به‌عنوان منبع صادرکننده ایده‌ها بهره می‌برد تا با دریافت رهنمودهای نظری و روشی، کیفیت تحلیلی و ظرفیت تبیینی خود را افزایش دهد. به همین خاطر در هر پژوهش دلالت‌پژوهی به‌صورت دقیق مأخذ استنباط و استخراج دلالت‌ها مشخص شود و دامنه مطالعه و تحقیق معین گردد. در پژوهش حاضر نیز با توجه به موضوع و مسأله پژوهش مأخذ صادرکننده سهم یاری‌ها برای مالکیت در مشروطه، منوط به دو مفهوم فردگرایی و جمع‌گرایی در چهار متفکر عصر مشروطه (ملکم خان، آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی و طالبوف) است که به‌عنوان مأخذ دلالت‌پژوهی تعیین شده است.

تعیین فرآیندی برای واکاوی ابژه منتخب

از آنجاکه هدف پژوهش دلالت‌پژوهی، استخراج و ترسیم دلالت‌های نظری، مفهومی یا روشی یک فلسفه، چارچوب، نظریه یا مدل برای حوزه متقاضی است، تعریف یک فرآیند کاری موقت و اولیه برای انجام مطالعه ضروری است. این فرآیند مقدماتی، نقشه راهی روشن برای پژوهشگر فراهم می‌کند و مراحل کلیدی شناسایی، تحلیل و تطبیق دلالت‌ها را مشخص می‌سازد. اگرچه ممکن است مسیر پژوهش در عمل و با پیشروی در مطالعه، تعدیل و اصلاح شود، اما داشتن یک تصویر فرآیندی از آغاز کار، به انسجام بخشیدن به جریان پژوهش و تضمین نظام‌مندی آن کمک شایانی می‌کند. بر اساس این، این فرآیند را در کلی‌ترین حالت آن می‌توان به‌صورت زیر تصور کرد (همان؛ ۵۵).



شکل ۳. مراحل روش دلالت‌پژوهی

تأثیر آراء فردگرایی و جمع‌گرایی بر مالکیت در دیدگاه روشنفکران مشروطه

جعفر حنائی، محمد علی توانا

احصای سهم یاری‌های ابژه دلالت پژوهی

در این مرحله برای جست‌وجو و مشخص کردن سهم یاری‌ها به جست‌وجوی کلیدواژه‌ای در آثار اکتفا نشد، بلکه آثار تورق گردید و بنا به نیاز جست‌وجوی کلیدواژه‌ای هم انجام شد و موارد مرتبط احصا گردید. در بررسی اولیه، ۱۶ سهم یاری براساس «فرآیند استخراج سهم یاری‌ها» استنباط شد و در گام بعدی، این سهم یاری‌های مستخرج شده دوباره بررسی و موارد تکراری با حفظ یک نمونه از آن‌ها، حذف و موارد مشابه و قریب‌المضمون با حفظ محتوایشان و بدون تقلیل مفهومی با یکدیگر ترکیب خواهند شد. در جدول شماره یک زیر تمام سهم یاری‌های مستخرج ابتدایی ذکر شده است.

جدول ۱. سهم یاری‌های متفکران مشروطه

سهم یاری‌های اندیشه میرزا آقاخان کرمانی		
ردیف	عنوان	سهم یاری
۱	مالکیت	زمین و دارایی باید از آن کسی باشد که در آن کار کند، نه کسی که از پدر خود گرفته یا به‌زور شمشیر صاحب شده باشد (آدمیت، ۱۳۵۷: ۲۶۲).
۲		در ایران چند نفر صاحب تمام آب و زمین‌اند و باقی مردم باید برای لقمه نانی پیش ایشان خاک‌برسر کنند.
۳		اگر ملک کسی باعث خرابی ده و گرسنگی خلق شود، باید دولت به حکم عدل در آن تصرف کند.
۴		در مملکت باید هر رعیت، اگر کار کند، حق داشته باشد زمین و خانه و گاو و گاو میش داشته باشد.
۵		همان‌طور که جان و دین مردم به قانون بسته است، مال مردم هم باید به قانون بسته باشد.

تأثیر آراء فردگرایی و جمع‌گرایی بر مالکیت در دیدگاه روشنفکران مشروطه

جعفر حنائی، محمد علی توانا

سهم یاری‌های اندیشه میرزا آقاخان کرمانی		
ردیف	عنوان	سهم یاری
۶		بنی آدم وقتی این معنی خوب حس نمود که معاش او بر وجه فاضل بدون تعاون و توازن ابنای جنس او ممکن نیست جمعیت‌های بشریه تشکیل نمودن گرفت (آقاخان کرمانی، ۱۳۰۰: ۱۵). جدول ۱. (سهم یاری‌های آقاخان کرمانی)

جدول ۱. سهم یاری‌های طالبوف

سهم یاری‌های اندیشه طالبوف		
ردیف	عنوان	سهم یاری
۱	مالکیت	بعد از اینکه علم سوسیالیسم [سوسیالیسم]، علم اصلاح حالت فقرا او رفاهیت محتاجین منتشر شد و مردم فهمیدند که تکالیف نفوس باید در خورد استطاعت و استعداد آن‌ها باشد، کارهای عالم صورت دیگر گرفت، مخاطرات و محظورات از میان برخاست (طالبوف، ۱۲۸۴: ۵۹-۵۸).
۲		رجال اروپا را برای آن مخاطب کردیم که باعث و علت گمراهی ملل متمدنه ایشان هستند؛ مردم را از زندگی طبیعی بیرون کرده‌اند؛ عوض قناعت به احتیاج آن‌ها افزوده‌اند و در این میان یک فرقه متمولین احداث شده که زمام اداره ملت فی الواقع در قبضه اقتدار ایشان و سلاطین و رجال تابع رأی ایشان است. طمع ایشان را سرحدی نیست و خمار مستی و غرور دولت آن‌ها را جز عرق و خون دل فقرای عالم شرابی نباشد (طالبوف، ۱۳۵۷: ۱۰).
۳		مقرر شده است که به واسطه یک هیأت موثوقه، اراضی ملاکان ایران قیمت شود، آن‌ها را به تبعه تقسیم کنند که در عرض سی سال هر کس سهم خرید قسمت خود

تأثیر آراء فردگرایی و جمع‌گرایی بر مالکیت در دیدگاه روشنفکران مشروطه

جعفر حنائی، محمد علی توانا

سهم یاری‌های اندیشه‌ی طالبوف		
ردیف	عنوان	سهم یاری
		<p>را به ضمانت دولت ایران به صاحب ملک ادا کند. اگر کسی بخواهد نقد بگیرد، با تنزل صد و سه هر وقت مختار است از بانک پادشاهی پول خود را اخذ کند. بعد از این نباید در ایران ملاک باشد، همه‌ی اراضی شخصی یا خالصه دیوانی باید به تبعه فروخته شود که خود تبعه مختار و مالک باشد. آن وقت سرحد اراضی با نقشه و خریطه معین شود و دست اجحاف منتقدین بسته شود (طالبوف، ۱۲۸۴: ۱۷۰-۱۶۹).</p> <p>جدول ۲. (سهم یاری‌های طالبوف)</p>

جدول ۱. سهم یاری‌های آخوندزاده

سهم یاری‌های اندیشه‌ی آخوندزاده		
ردیف	عنوان	سهم یاری
۱	مالکیت	<p>مساوات مالیه در این دنیا، با وجود همین اوضاع و تراکیب ملل و با وجود همین اخلاق و طبایع مردم که مشاهده می‌شود، امکان پذیر نیست. مگر اینکه این دنیا تغییر بیابد و بنی آدم خلقت و طبیعت دیگر پیدا کند (آدمیت، ۱۳۴۹: ۱۴۴).</p> <p>جدول ۳. (سهم یاری‌های آخوندزاده)</p>

جدول ۱. سهم یاری‌های ملکم خان

سهم یاری‌های اندیشه ملکم خان		
ردیف	عنوان	سهم یاری
۱	مالکیت	راه تمول یک ملت نه در جنگ است، نه در غصب اموال دیگران. راه تمولیک ملت منحصر به این است که: زیاد کار کنند، زیاد امتعه به عمل آورند، زیاد دادوستد کنند (اصیل؛ ۱۷۰)
۲		تکثیر امتعه و تجارت، لازم و ملزوم همدیگر هستند. اگر کسی تریاک زیاد به عمل بیاورد و نتواند بفروشد، از گرسنگی خواهد مرد (همان، ۱۳۸۱: ۱۷۱).
۳		حصول سعادت ابدی بدون پیشرفت، پیشرفت بدون جماعت و جماعت بدون امنیت میسر نخواهد بود. امنیت جماعت یعنی آنکه هر یک از اعضای جماعت باید از جان و مال خود کاملاً مطمئن باشد (همان؛ ۱۸۵)
۴		امنیت آن است که خواه عقل و انصاف داشته و خواه نداشته باشند، نتوانند مال شما را به میل خود بگیرند. امنیت میلی و عدالت تفضلی سال‌هاست که داریم. وقت آن است که امنیت قانونی داشته باشیم (همان؛ ۱۸۷). جدول ۴. (سهم یاری‌های ملکم خان)

۱) مالکیت در نظام معرفتی_سیاسی فردگرایان جمع‌گرایان مشروطه (میرزا آقاخان کرمانی و طالبوف)

۳-۱) تنظیم دولتی در مالکیت جمع‌اندیشان (طالبوف و آقاخان کرمانی):

تحلیل شماره ۱ از میرزا آقاخان کرمانی:

متن شماره ۱: در ایران چند نفر صاحب آب و زمین‌اند و باقی مردم باید برای لقمه نانی پیش ایشان خاک‌برسر کنند.

تأثیر آراء فردگرایی و جمع‌گرایی بر مالکیت در دیدگاه روشنفکران مشروطه

جعفر حنائی، محمد علی توانا

متن شماره ۲: اگر ملک کسی باعث خرابی ده و گرسنگی خلق شود، باید دولت به حکم عدل در آن تصرف کند.

متن شماره ۳: همان‌طور که جان و دین مردم به قانون بسته است، مال مردم هم باید به قانون بسته باشد.

تحلیل دلالتی: میرزا آقاخان تخصیص مالکیت پیش از استقرار نظام سیاسی نوین یا دولت جدید را مردود می‌داند؛ چراکه او نشان می‌دهد که مالکیت خصوصی نامحدود و بدون مسئولیت، منجر به استثمار اکثریت (جمعیت) می‌شود. وی در تلاش است تا «مالکیت جمع» را در برابر حق انحصاری مالکیت افراد قرار دهد. وی اگرچه مالکیت خصوصی را به‌طور کلی رد نمی‌کند، اما در گزاره‌های بالا به شکل صریحی عنوان می‌دارد که نه تنها این قانون است که می‌تواند «مالکیت» را تعریف کند، بلکه با توجه به گزاره دوم، مالکیت خصوصی و فردی تنها زمانی می‌تواند مشروعیت خود را حفظ کند که در تضاد با مصلحت جمعی جامعه نباشد و در نهایت گزاره سوم وی به‌طور مستقیم به اندیشه جمع‌گرایی منتهی می‌شود؛ چراکه وی «مال» و «مالکیت» را از امور شخصی محض خارج می‌سازد و آن را در حیطه عمومی و تحت نظر قانون _ که همانا نماینده اراده جمع است _ قرار می‌دهد.

تحلیل شماره ۲ از میرزا آقاخان کرمانی:

متن شماره ۱: بنی‌آدم وقتی این معنی خوب حس نمود که معاش او بر وجه فاضل بدون تعاون و توازن ابنای جنس او ممکن نیست جمعیت‌های بشریه تشکیل نمودن گرفت.

تحلیل دلالتی:

گزاره بالا تا اندازه‌ای مبنای انسان‌شناختی و اقتصادی جمع‌گرایانه میرزا آقاخان کرمانی را نشان می‌دهد که طی آن تصور مالکیت فردی مستقل و خودکفا، توهمی بیش نیست و مالکیت واقعی تنها در چارچوب تعاون جمعی است که معنا می‌یابد.

• **نقد بنیادین فردگرایی اقتصادی:** اگر ایدئولوژی فردگرایی مبنای حرکتی خود را بر عنصر فرد قرار می‌دهد، کرمانی در گزاره بالا به آشکارا و با تأکید بر واژه «بنی‌آدم» معلوم می‌دارد که انسان به تنهایی (یعنی بدون تعاون)، حتی قادر به تأمین معاش بر وجه فاضل یعنی زندگی در سطح مطلوب و انسانی نیست و این نه تنها

مستقیماً در برابر افسانه فردگرایی قرار می‌گیرد که این معنا را از کرمانی به دست می‌دهد که هیچ ثروتی واقعاً فردی نیست.

• **دلالت مستقیم بر مالکیت:** از تحلیل گزاره بالا، می‌توان نظریه مالکیت میرزا آقاخان کرمانی را استخراج نمود: **مالکیت، موهبتی جمعی است؛** چراکه در نظر وی معاش مطلوب (که مالکیت نیز بخشی از آن است) بدون تعاون جمعی امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین مالکیت در نظر او اساساً امری جمعی و اجتماعی است و فرد به‌تنهایی نمی‌تواند مالک چیزی باشد. از این رو وی در گزاره بالا مالکیت را اساساً وسیله‌ای جهت ساخت جمعیت و تعاون و همکاری و هماهنگی ابنای بشر می‌دانست.

تحلیل شماره ۳ از طالبوف:

متن شماره ۱: بعد از اینکه علم سوسیالیسم [سوسیالیسم]، علم اصلاح حالت فقرا او رفاهیت محتاجین منتشر شد و مردم فهمیدند که تکالیف نفوس باید در خورد استطاعت و استعداد آنها باشد، کارهای عالم صورت دیگر گرفت، مخاطرات و محظورات از میان برخاست.

متن شماره ۲: رجال اروپا را برای آن مخاطب کردیم که باعث و علت گمراهی ملل متمدنه ایشان هستند؛ مردم را از زندگی طبیعی بیرون کرده‌اند؛ عوض قناعت به احتیاج آنها افزوده‌اند و در این میان یک فرقه متمولین احداث شده که زمام اداره ملت فی‌الواقع در قبضه اقتدار ایشان و سلاطین و رجال تابع رأی ایشان است. طمع ایشان را سرحدی نیست و خمار مستی و غرور دولت آنها را جز عرق و خون دل فقرای عالم شرابی نباشد.

تحلیل دلالتی: دو گزاره بالایی به‌صراحت طالبوف را در قطب مخالف فردگرایی اقتصادی لیبرالی و در سنت جمع‌گرایی اقتصادی_اجتماعی قرار می‌دهد و تحلیل دلالتی نشان خواهد داد که مسأله مالکیت نزد او نه یک حق فردی مقدس و غیرقابل نقض، بلکه یک وظیفه اجتماعی و ابزاری برای تحقق عدالت است.

- **طرد لیبرالیسم اقتصادی به مثابه نفی فردگرایی افراطی است:** مقصود از لیبرالیسم اقتصادی در اینجا همان ایدئولوژی بازار آزاد کلاسیک است که بر پایه‌های لاکه استوار است. طالبوف در گزاره نخستین به روشنی این ایدئولوژی را نفی می‌کند و این نفی بر این موضوع دلالت دارد که از نظر طالبوف، بازارها و مالکیت بی‌قید نه تنها به عدالت نمی‌انجامد، بلکه به بی‌عدالتی سیستماتیک و بی‌ثباتی اجتماعی منجر می‌شود.
- **مالکیت ابزاری برای تعدیل ثروت و تحقق دموکراسی اجتماعی است:** در واقع این دو گزاره در خصوص طالبوف این معنی را می‌رساند که هدف او نه ایجاد و برقراری برابری مطلق در جامعه که کاهش شکاف‌های افراطی و ایجاد توازن اقتصادی در جامعه است. از این رو چنانکه به نظر می‌رسد تعدیل ثروت و مالکیت که طالبوف بسیار بر آن اصرار می‌ورزید برای حفظ سلامت و انسجام کلیت جامعه و قوت گرفتن حقوق دموکراسی اجتماعی الزامی است.
- **نظام ملاکی و تقسیم اراضی به مثابه اقدامات عینی جمع‌گرایانه است:** البته که طالبوف تنها در سطح شعار باقی نمی‌ماند و هم خواهان و هم ارائه‌دهنده ابزارها و خدماتی است که طی آن مالکیت خصوصی اربابان (نظام ملاکی و فئودالی) جای خود را به توزیع مجدد دارایی‌ها (تقسیم اراضی) واگذار کند و حق خصوصی اربابان در مالکیت جای خود را به نفع خیر عمومی تغییر دهد. وی در این خصوص در مسالک‌المحسنین می‌نویسد: «مقرر شده است که به واسطه یک هیأت موثوقه، اراضی ملاکان ایران قیمت شود، آن‌ها را به تبعه تقسیم کنند که در عرض سی سال هر کس سهم خرید قسمت خود را به ضمانت دولت ایران به صاحب ملک ادا کند. اگر کسی بخواهد نقد بگیرد، با تنزل صد و سه هر وقت مختار است از بانک پادشاهی پول خود را اخذ کند. بعد از این نباید در ایران ملاک باشد، همه اراضی شخصی یا خالصه دیوانی باید به تبعه فروخته شود که خود تبعه مختار و مالک باشد. آن وقت سرحد اراضی با نقشه و خریطه معین شود و دست اجحاف منتقدین بسته شود» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۵۴).

دلالت روسو در خصوص مالکیت از میرزا آقاخان کرمانی و طالبوف

مالکیت بر مبنای تنظیم دولت: برخلاف لاکه که وضع مالکیت در نزد او در حالت طبیعی و پیشادولت تعیین شده و نقش دولت تنها منوط به تأمین و حفظ امنیت در خصوص مالکیت بوده، روسو معتقد است که در وضع طبیعی هیچ امکانی

برای مفهوم مالکیت موجود نیست و تنها امکانی که در نظر او می‌توانست بر مسأله مالکیت صحه گذارد، اراده عمومی است. از این رو طالبوف و میرزا آقاخان مطابق با این اندیشه‌ها تخصیص مالکیت پیش از استقرار نظام سیاسی نوین یا دولت جدید در ایران را مردود می‌دانستند. طالبوف در نوشته‌های خود به شدت بر نحوه زمین‌داری در ایران که سبب عدم ثروت‌اندوزی برای آحاد جامعه می‌گردد، خرده می‌گیرد و بر ملاکان و زمین‌داران بزرگ می‌تازد و با تاختن بر طبقه سرمایه‌دار جدید و ملاکان عصر کهن و نیز «با طرد لیبرالیسم اقتصادی به علم سوسیالیسم یا به تعبیر او علم اصلاح حالت فقر و رفاهیت محتاجین روی می‌آورد» (طالبوف، ۱۲۸۴: ۵-۴). از این رو بر لزوم دست‌یابی به ثروت و رابطه مستقیم آن با توسعه صحه می‌گذارد و همچنین کسب علم را با اقتصاد و پیشرفت اقتصادی گره می‌زند و می‌گوید «قدرت امروزی دول علم است و ثروت که ما بدبختانه بدین هر دو برکت خداوند گدا و جاهل هستیم» (طالبوف، ۱۳۴۶: ۸۵). بنابراین در نظر طالبوف تحول در مالکیت و در شکل زمین‌داری پیش‌زمینه مهم کسب ثروت و توسعه اقتصادی و سیاسی بوده است.

مالکیت خصوصی در بستر جمعی: روسو در نگرش جمع‌اندیشانه خود خواهان بیشترین میزان مالکیت برای بیشترین افراد است؛ چراکه در نظر او هرچقدر که افراد از دارایی بیشتری برخوردار باشند، عمل مشارکت نیز سودمندتر خواهد بود. از طرف دیگر روسو در یکی از برجسته‌ترین مقالاتش به‌عنوان «گفتاری درباره علل نابرابری» آشکارا بیان می‌دارد که «میان نابرابری و مالکیت خصوصی به‌عنوان گناه نخستین نابرابری، ارتباط مستقیمی وجود دارد» (تدین و دیگران، ۱۴۰۲: ۱)؛ وی همچنین استدلال می‌کند که «نابرابری اجتماعی پیامد فاصله‌گیری از برابری طبیعی انسان‌هاست. این دوری، با برانگیخته شدن امیالی چون کمال‌طلبی، مالکیت‌گرایی و انباشت دارایی شتاب گرفت» (Dahrendorf, 1962). وی همچنین در کتاب امیل این‌گونه می‌نویسد که: «دیو مالکیت هر چیزی را که لمس کند، آلوده می‌کند» (روسو، ۱۹۷۹: ۳۵۴). به‌طور کلی می‌توان گفت که فهم نابرابری در اندیشه روسو ارتباط وثیقی با موضوع مالکیت و نابرابری در آن را دارد. طالبوف نیز که مهم‌ترین مبنای مالکیت را تنظیمات و تخصیص دولتی می‌داند در جهت بیشترین مالکیت برای بیشترین افراد پیشنهاد تقسیم اراضی را مطرح می‌کند و در مسالک‌المحسنین در خصوص چگونگی اجرایی شدن آن می‌نویسد: «مقرر شده است که به‌واسطه یک هیأت موثوقه، اراضی ملاکان ایران قیمت شود، آن‌ها را به تبعه تقسیم کنند که در عرض سی سال هر کس سهم خرید قسمت خود را به ضمانت دولت ایران به صاحب ملک ادا کند. اگر کسی بخواهد نقد بگیرد، با تنزل صد و سه هر وقت مختار است از بانک پادشاهی پول خود را اخذ کند. بعد از این نباید در ایران ملاک باشد، همه»

تأثیر آراء فردگرایی و جمع‌گرایی بر مالکیت در دیدگاه روشنفکران مشروطه

جعفر حنائی، محمد علی توانا

اراضی شخصی یا خالصه دیوانی باید به تبعه فروخته شود که خود تبعه مختار و مالک باشد. آن وقت سرحد اراضی با نقشه و خریطه معین شود و دست اجحاف منتقدین بسته شود» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۷۰-۱۶۹). بنابراین یکی از مهم‌ترین اصولی که میرزا آقاخان و طالبوف درباره مالکیت مورد توجه قرار داده‌اند، به شرحی که رفت ضرورت دخالت دولت و تنظیم دولتی در سامان بخشی به مسأله مالکیت است.

۳-۲) مالکیت فردی در نزد فردگرایان (ملکم خان و آخوندزاده)

تحلیل شماره ۱ از ملکم خان:

متن شماره ۱: راه تمول یک ملت نه در جنگ است و نه در غصب اموال دیگران. بلکه راه تمولیک ملت منحصر به این است که زیاد کار کنند، زیاد امتعه به عمل آورند، زیاد دادوستد کنند.

متن شماره ۲: تکثیر امتعه و تجارت، لازم و ملزوم همدیگر هستند. اگر کسی تریاک زیاد به عمل بیاورد و نتواند بفروشد، از گرسنگی خواهد مرد.

تحلیل دلالتی: این دو گزاره می‌تواند به روشنی هسته مرکزی فردگرایی اقتصادی لیبرالی را در اندیشه ملکم خان نشان دهد؛ درواقع با توجه به این گزاره‌ها، ثروت ملی نه یک دارایی جمعی قابل توزیع توسط دولت، بلکه حاصل جمع فعالیت‌های مولد و آزادانه تک‌تک افراد است.

- **تأکید بر کار و تولید فردی:** ملکم خان در گزاره‌های بالا دو شیوه سیاسی و تاریخی انباشت ثروت را نفی می‌کند که عمدتاً مبتنی بر زور و رانت و رابطه با قدرت هستند. و در مقابل او راه ثروت‌سازی را در فعالیت‌های اقتصادی صلح‌آمیز و داوطلبانه افراد جست‌وجو می‌کند که برای مثال زیاد کار کنند و زیاد امتعه به عمل آورند و دادوستد کنند. همچنین وی در گزاره‌های بالا کار فردی را به‌عنوان منشأ اولیه ارزش و مالکیت قلمداد می‌کند.
- **تقدم بازار و مالکیت خصوصی بر تولید:** دو گزاره بالا همچنین این اصل عمیقاً فردگرایانه و بازار محور را بیان می‌دارد: تولید، بدون ضمانت مالکیت و آزادی مبادله، بی‌معنا و حتی مرگبار است. که در مثال تریاک این امر واضح است؛ فرد می‌تواند که سخت تلاش کند و چیز ارزشمندی (تریاک) تولید کند، اما اگر نتیجه کارش

در مالکیت مطلق او نباشد و نتواند آن را آزادانه بفروشد، نه تنها ثروتمند نمی‌شود، بلکه از گرسنگی نیز خواهد مرد. از این رو می‌تواند گفت که مالکیت خصوصی بر محصول کار، شرط بقای مولد است.

تحلیل شماره ۲ از آخوندزاده:

متن شماره ۱: مساوات مالیه در این دنیا، با وجود همین اوضاع و تراکیب ملل و باوجود همین اخلاق و طبایع مردم که مشاهده می‌شود، امکان پذیر نیست. مگر اینکه دنیا تغییر بیابد و بنی آدم خلقت و طبیعت دیگری پیدا کند.

تحلیل دلالتی: این گزاره آخوندزاده، یک موضع‌گیری واقع‌بینانه و محافظه‌کارانه در درون چارچوب فردگرایی را نشان می‌دهد. او با پذیرش حق طبیعی مالکیت و فردگرایی اقتصادی، به این نتیجه می‌رسد که برابری کامل اقتصادی «مساوات مالیه» ناممکن و حتی نامطلوب است، مگر با یک دگرگونی غیرواقعی در ذات انسان و جهان. این گزاره از آخوندزاده، او را به صراحت از سوسیالیست‌های آرمان‌گرا و حتی جمع‌گرایان اصلاح‌طلب چون طالبوف متمایز می‌سازد.

- پذیرش اصل نابرابری به‌عنوان واقعیت طبیعی و اجتماعی: آخوندزاده در این گزاره ادعا نمی‌کند که مساوات مالیه نباید باشد، بلکه می‌گوید: «امکان پذیر نیست». و این دقیقاً می‌تواند قضاوتی واقع‌شناختی (در مورد آنچه هست) و امکان‌شناختی (در مورد آنچه می‌تواند باشد) است و نه یک حکم ارزشی.

- اوضاع و تراکیب ملل و اخلاق و طبایع مردم: آخوندزاده همچنین در این گزاره با اشاره به تفاوت‌های ذاتی جغرافیایی، تاریخی و تمدنی و نیز با اشاره به تفاوت‌های ذاتی فردی در استعداد و انگیزه و هوش، یک ملت را برخوردار از منابع و موقعیت بهتر در نظر می‌گیرد که می‌توانند با توجه به چنین عناصری نسبت به دیگر ملتها ثروتمندتر و غنی‌تر باشند. همچنین از آنجایی که مالکیت حاصل کار و فعالیت تک‌تک افراد است و افراد نیز طبیعتاً باهم برابر نیستند، پس بنابراین در نزد آخوندزاده مالکیت آنان نیز نمی‌تواند برابر باشد.

بنابراین می‌تواند گفت که آخوندزاده در این گزاره به‌وضوح خود را از کسانی که می‌خواهند با «تنظیم و تعدیل» دولتی و یا «تقسیم اراضی» به یک برابری اقتصادی دست یابند جدا می‌کند.

دلالت جان لاک در خصوص مالکیت از ملکم خان و آخوندزاده

تأثیر آراء فردگرایی و جمع‌گرایی بر مالکیت در دیدگاه روشنفکران مشروطه

جعفر حنائی، محمد علی توانا

کار مبنای مالکیت فردی: از آنجایی که جان لاک مبنای مالکیت را در درجه نخست در کار فردی جست‌وجو می‌کرد و آن را برآمده از حق طبیعی انسان می‌دانست و سپس تر آن و در مرحله دوم بر مسأله رضایت مردمی و قرارداد اجتماعی تأکید می‌کرد و یکی از مهم‌ترین مصادیقی که با جدیت بر آن صحنه می‌گذاشت عدم اشتراک در مسأله مالکیت و مخالفت با واگذاری حق مالکیت فردی به مالکیتی اشتراکی بود. از این رو می‌توان گفت که ملکم خان و آخوندزاده نیز مبنای مالکیت را بسان لاک بر عنصر کار تعبیه کرده بودند و بسان اقتصاددانان لیبرال رابطه مستقیمی میان مالکیت خصوصی و امور تجاری و بازار آزاد برقرار می‌کردند.

امنیت کارویژه اصلی دولت برای مالکیت: لاک در چند بخش مختلف از رساله خود به برخی از دلایلی که تشکیل جامعه و دولت را موجه می‌سازند اشاره می‌کند که یکی از مهم‌ترین آن عبارت است از: «حب نفس انسان‌ها را و می‌دارد که در وضع طبیعی در مجازات متجاوزان زیاده‌روی کنند؛ لذا باید یک نظام قضایی که مقبول همگان است استقرار یابد. گاه ممکن است بر مقتضای عدل، باید مجرمی مجازات گردد، اما قدرت و توان کافی برای تنبیه و مجازات فرد مجرم وجود نداشته باشد. اما اعتقاد لاک، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین هدف انسان‌ها از تشکیل اجتماع حفظ دارایی‌شان است» (لاریجانی، ۱۳۸۷: ۱۰). اما ملکم خان نیز در آثار خود به صورت مستقیم و غیرمستقیم و به خصوص در امر مالکیت یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های دولت را نه در تخصیص و تقسیم اراضی، بلکه در برقراری امنیت می‌داند و می‌نویسد: «حصول سعادت ابدی بدون پیشرفت، پیشرفت بدون جماعت و جماعت بدون امنیت میسر نخواهد بود. امنیت جماعت یعنی آن که هر یک از اعضای جماعت باید از جان و مال خود کاملاً مطمئن باشد» (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۷۴). وی همچنین در ادامه می‌نویسد: «امنیت آن است که خواه عقل و انصاف داشته و نداشته باشند، نتوانند مال شما را به میل خود بگیرند. امنیت میلی و عدالت تفضلی سال‌ها است که داریم. وقت آن است که امنیت قانونی داشته باشیم» (همان: ۱۸۵).

نتیجه‌گیری

هم‌زمان با انقلاب مشروطه در ایران و ورود افکار و ایده‌های جدید در حدود مسأله حکمرانی و بسط اندیشه‌های ترقی‌خواهانه و دموکراسی‌طلبانه، یکی از نهادهایی که می‌بایستی در آن دگردیسی و تحول جدی رخ می‌داد، نهاد مالکیت بود. این نهاد که قرن‌ها یکی از ابزارهای مهم حکومت‌ها و ساختارهای استبدادی بود که به واسطه آن، حکومت‌های مرکزی دست به توزیع رانت برای حفظ بقای خود می‌زدند و نیز یکی از عوامل اصلی عدم توسعه سیاسی و اقتصادی بود، در آراء

روشنفکران مشروطه مورد مذاقه قرار گرفت. این روشنفکران تحت تأثیر متفکران غربی از جمله لاک و روسو خواهان استحاله در نظام و نهاد مالکیت و به خصوص زمین‌داری بودند و در آثار و آراء خود به بسط اندیشه‌ورزی در این حوزه‌ها نشستند؛ اگرچه این روشنفکران برخلاف اسلاف غربی خود نتوانستند به فلسفه‌ورزی در این حوزه بپردازند، اما سعی داشتند تا با تأثیرپذیری از آنان دست به ارائه راه‌حل‌های سیاسی بزنند.

از این رو با توجه به یافته‌هایی که در پژوهش رفته است، هر چهار متفکر مدنظر این پژوهش (آقاخان کرمانی، طالبوف، آخوندزاده و ملک‌خان) خواهان تحول در نهاد مالکیت و زمین‌داری و به خصوص نوع تخصیص زمین‌داری بوده‌اند و نیز از آنجایی که این پژوهش از روش دلالت پژوهشی یاری جسته است، سهم یاری‌های استخراج‌شده از آثار و آراء متفکران نشان داده که در حوزه مالکیت میرزا آقاخان کرمانی و طالبوف به رأی روسو و جمع‌گرایی نزدیک‌تر بوده‌اند و دخالت دولت را در امر مالکیت و تنظیم زمین‌داری را ضروری می‌دانستند و بر این باور بودند که دولت با ورود خود به امر زمین‌داری و تخصیص آن می‌تواند سبب‌ساز خیر عمومی در جامعه گردد؛ و این درحالی است که آخوندزاده و ملک‌خان به خلاف آن‌ها، نقش دولت را در تنظیم و تخصیص مالکیت مردود دانسته‌اند و تنها کارویژه دولت را در حفظ جان و مال شهروندان دانسته‌اند و برخلاف جمع‌گرایان مبنای مالکیت را نه در تخصیص دولتی، بلکه بسان جان لاک در مفهوم "کار" جست‌وجو کرده‌اند.

این پژوهش همچنین می‌تواند برای مسائل معاصر ایران نیز بینش‌های انتقادی در خصوص مالکیت را ارائه دهد؛ نخست اینکه بیان‌گر تضاد تاریخی بین مالکیت خصوصی و دخالت دولت در ایران است و ریشه‌های جدال امروزی بین نهادهای خصوصی‌محور و مداخله دولت را در اقتصاد می‌توان در این دوره و در دو آلیسم فکری روشنفکران مشروطه ردیابی کرد. دوم می‌تواند نشان‌دهنده رابطه مالکیت و توسعه در ایران باشد؛ چراکه این اندیشمندان و اندیشه‌ورزان اساساً بر ارتباط نهاد مالکیت با توسعه سیاسی و مبارزه با استبداد همواره درباره اینکه نادیده‌گرفتن اصلاحات ساختاری در مالکیت می‌تواند به بازتولید رابطه رانتی و توزیع ناعادلانه قدرت بیانجامد، نوعی هشدار تاریخی داده‌اند.

اما از سوی دیگر این پژوهش پلی نیز بین تاریخ اندیشه و مسائل جامعه امروز می‌زند و آشکار می‌سازد که منازعات فکری حول مالکیت در مشروطه، سرآغاز گسست از پارادایم مالکیت استبدادی و ارباب-رعیتی بود. همچنین می‌توان دو

الیسم فردگرایی-جمع‌گرایی در مالکیت را نمایش اولیه تقابل میان حق فردی و عدالت اجتماعی در اندیشه ایرانی دانست که تاکنون نیز حل‌نشده باقی‌مانده است که خود به نحوی ضرورت بازخوانی انتقادی تاریخ مالکیت در ایران را یادآوری می‌کند تا از تقلید صرف از الگوهای غربی یا بازگشت به الگوهای پیشامشروطه پرهیز شود. اما در پایان می‌توان گفت که این تحقیق نشان می‌دهد، مسأله مالکیت در مشروطه، تنها یک بحث اقتصادی نبود، بلکه آینه‌ای از بحران نظم سیاسی جدید و جست‌وجو برای پایه‌های مشروعیت حکومت بود. فهم این تقابل فکری، نه‌تنها درک ما را از تاریخ مشروطه عمق می‌بخشد، بلکه چراغی برای بررسی آسیب‌های ساختاری در نظام حقوقی-اقتصادی معاصر ایران نیز فراهم می‌کند.

منابع

- آخوندزاده، فتحعلی (۱۳۹۵)؛ مکتوبات کمال‌الدوله و ملحقات آن؛ نشر باشگاه ادبیات.

تأثیر آراء فردگرایی و جمع‌گرایی بر مالکیت در دیدگاه روشنفکران مشروطه

جعفر حنائی، محمد علی توانا

- آدمیت، فریدون (۱۳۴۹)؛ اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده؛ تهران، نشر خوارزمی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۶۳)؛ اندیشه‌های طالبوف تبریزی؛ تهران، نشر پدیده.
- آخوندزاده، فتحعلی (۱۳۹۵)؛ مکتوبات کمال الدوله و ملحقات آن؛ نشر باشگاه ادبیات.
- آقاخان کرمانی، میرزا (۱۳۰۰)؛ تشریح و تکوین؛ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۱)؛ رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله؛ تهران، نشر نی.
- پیلوار، رحیم (۱۳۹۰)؛ نظریه کار به‌عنوان مبنای مالکیت در حقوق اسلامی و فلسفه جان لاک؛ مطالعات فقه و حقوق اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۵، ۸۴-۶۳.
- تدین، امیرمسعود؛ اسلامی، سعید؛ سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۴۰۲)؛ آسیب‌شناسی نظری نابرابری ناشی از مالکیت خصوصی در اقتصاد سیاسی ژان ژاک روسو؛ فصل‌نامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره ششم، شماره ۲، ۵۷۸-۵۴۵.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۵)؛ روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا؛ فصل‌نامه روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۲۲، شماره ۸۶، ۷۹-۳۱.
- دریابندری، نجف (۱۳۶۸)؛ درد بی‌خویشتنی: بررسی مفهوم الیناسیون در فلسفه غرب؛ تهران، نشر پرواز.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱)؛ لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات سیروس.
- زمان زاده، حمید؛ صادق‌الحسینی، سیدمحمد (۱۳۹۲)؛ اقتصاد ایران در تنگای توسعه؛ تهران، نشر مرکز.
- مؤمنی، فرشاد؛ جعفری شهرستانی، علی؛ میرزایی، حجت‌الله (۱۴۰۱)؛ ظهور مالکیت خصوصی در ایران بر مبنای رهیافت نظم‌های اجتماعی نهادگرایی؛ فصل‌نامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء؛ سال سی و دوم، شماره ۵۶، ۹۰-۷۹.

• علم، محمدرضا؛ کاظمی، سجاد (۱۳۹۴)؛ تأثیر انقلاب مشروطه بر تحول نظام زمین‌داری؛ فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان، سال پنجاه و سوم، شماره یکم، بهار ۱۳۹۶، ۱۰۶-۹۳.

• غنی نژاد، موسی (۱۳۹۷)؛ تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر؛ تهران، نشر مرکز

• طالبوف، عبدالرحیم (۱۲۸۴)؛ مسالک المحسنین؛ در مصر و قاهره طبع شد.

• لاک، جان (۱۴۰۲)؛ رساله‌ای درباره حکومت؛ ترجمه حمید عضدانلو؛ تهران، نشر نی.

• لاریجانی، مریم (۱۳۸۷)؛ نظریه لاک: رضایت یا قرارداد؛ فصل‌نامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم، سال نهم، شماره ۴، ۱۷۸-۱۴۷.

- Dahrendorf, R. (1962). On the Origin of Social Inequality. in P. Laslett & W. G.
- Rousseau, J. J. (1979 [1762]). Emile or On Education (ed. Allan Bloom). New York: Basic.

The Impact of Individualist and Collectivist Views on Property in the Perspective of Constitutional Era Intellectuals

Jafar Hanani¹, Mohammad Ali Tavana²

<p>Date Received: 13 Jan 2026</p> <p>Date Accepted: 19 Mar 2026</p> <p>Keywords: Ownership, Constitutionalism, Individualism, Collectivism, Government</p>	<p>Abstract</p> <p>The intellectuals of the Constitutional Era realized that reforming the political system of the Qajar dynasty was impossible without a transformation in the institution of property, and they emphasized the necessity of this change in their works. However, their views on the method of this transformation were not uniform, and influenced by Western thought, they proposed different solutions. This study, employing the method of signification analysis (dalālat-pazhūhī), aims to explain the relationship between individualism and collectivism and the concept of property in the views of four prominent intellectuals (Malkom Khan, Akhundzadeh, Aqa Khan Kermani, and Talibov). The findings indicate that Aqa Khan Kermani and Talibov, with a focus on the "public good" and collectivism, considered the regulatory role of the state in the matter of property as essential. Conversely, Akhundzadeh and Malkom Khan, leaning towards individualism, defined property based on the individual's "labor" as its foundation and right, minimizing state intervention in this sphere. Consequently, this research will demonstrate the theoretical distinctions and determining factors created by the 'individualism-collectivism' dichotomy in shaping two distinct paths for Iran's socio-economic development during the Constitutional Era. Addressing this question reveals the historical roots of the enduring conflict between the 'state as regulator' versus 'property as an individual right' in Iran's contemporary history, and provides an analytical framework for understanding the intellectual foundations of current debates on the relationship between the state and the market.</p>
---	--

¹ Student, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.jafar.hanani@mail.ir

² Associate Professor of Political Science, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran. tavana.mohammad@yahoo.com